

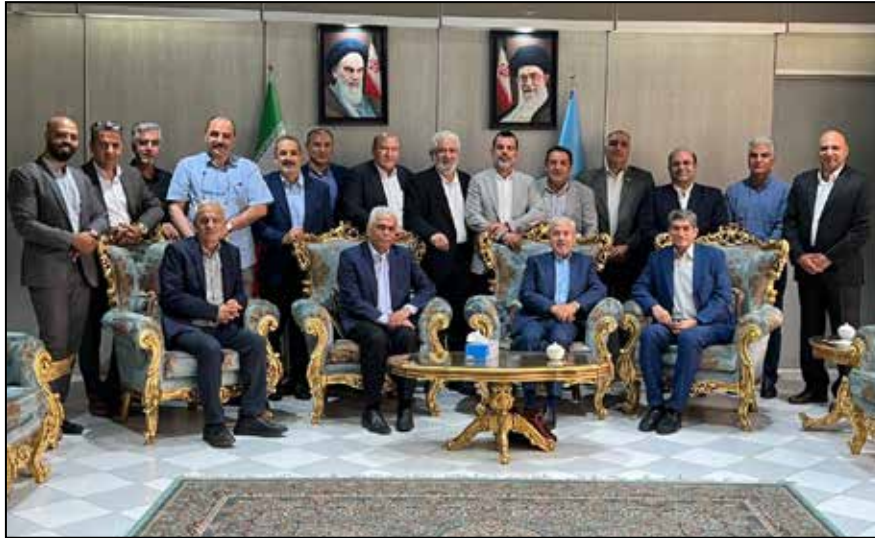


وقایع اتفاقیه اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۳



مزمّن بالای ۴۰ درصد، ماده ۳۸ تأمین اجتماعی، افزایش هزینه‌های مبادلاتی ناشی از تحریم، قاچاق بی‌رویه، کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان داخلی و در نتیجه کاهش مقدار فروش و تقاضا، تشدید رکود و کساد، افزایش موجودی انبار کالای ساخته‌شده و بالابودن هزینه تأمین مالی از سوی دیگر به اضافه محدودیت‌هایی که دولت‌ها در مناطق آزاد و مرزهای طولانی کشور به خصوص در غرب، جنوب و جنوب شرقی برای رفع مشکل اشتغال افراد بومی، برای برخورد با قاچاق و واردات غیرقانونی با آن روبه‌رو است. مواردی که باید در دولت جدید به صورت جدی پیگیری شود که این مهم نیز نیازمند تشکیل دولت و کابینه قوی است. اما آنچه برای تشکّل‌ها در این مقطع مهم است، تقویت بار کارشناسی و تولید محتوا برای انتقال درست چالش‌ها همراه با راهکارهای قابل اجرا مبتلابه صنعت در سطح خرد و بنگاه برای ارائه به مدیریت اجرایی جدید کشور است. همان‌طور که کسب و کارها در حال پوست‌اندازی هستند، انتظار می‌رود تشکّل‌های حرفه‌ای مرتبط با صنعت نیز آرایش جدیدی برای نقش‌آفرینی در شرایط جدید مدیریت اقتصادی و اجرایی پیش‌روی کشور به خود بگیرند، به خصوص که در ادامه سال جاری، شاهد همزمانی شروع مجلس جدید با دولت چهاردهم و اجرای قانون برنامه هفتم توسعه هستیم.

◀ بعد از ظهر یکشنبه ۳۰ اردیبهشت، خبر سقوط بالگرد رئیس‌جمهور رئیس، وزیر امور خارجه، امام‌جمعه مردمی و معتبر تبریز و استاندار جوان آذربایجان و سر محافظ ایشان و کادر پرواز بالگرد، کشور را در بهت خبری فرو برد تا اینکه حدود ساعت ۶:۳۰ تا ۷:۳۰ صبح دوشنبه ۳۱ اردیبهشت، خبر شهادت این عزیزان رسماً اعلام شد. هم‌زمانی ولادت حضرت امام رضا (ع) با شهادت خادم‌الرضا از یک سو و خاکسپاری این شهدا در سوم خرداد روز آزادی خرمشهر، از اتفاقات نادری است که تحلیل‌های زمینی را برنمی‌تابد. هیچ‌کس در شروع سال جاری نمی‌توانست تصور کند "قوی سیاه" ایران در سال ۱۴۰۳، شهادت رئیس‌جمهور پرکار و خستگی‌ناپذیر باشد. رهبری در پیام تسلیت خود، از جناب آقای مخبر به عنوان مدیریت قوای مجریه خواستند ظرف مدت ۵۰ روز نسبت به انتخاب رئیس‌جمهور جدید با هماهنگی سران سه قوه اقدام کنند. بدین ترتیب شرایط اقتصادی کشور به دلیل انتخاب رئیس‌جمهور جدید، وارد فاز انتقالی شد، به‌طوری‌که از ۳۱ اردیبهشت تا ۸ تیرماه، فضای رسانه‌های مکتوب و مجازی و صدا و تصویر، تبدیل به یک فضای انتخاباتی و گفت‌وگویی شد. بدیهی است رئیس‌جمهور بعدی با هر گرایش سیاسی ضمن اینکه باید در مسیر زیرساخت‌های ایجاد شده حرکت کند، باید بتواند چالش‌های مبتلابه اقتصاد ایران را رفع کند، چالش به قول دکتر نیلی تبدیل به ابرچالش شده، چالش‌هایی مانند «ناترازی انرژی»، «بحران منابع طبیعی»، «کسری بودجه»، «بحران نظام بانکی»، «وضعیت نامناسب بخش واقعی اقتصاد به‌ویژه بنگاه‌ها»، «وضعیت غیرشفاف نظام‌های حمایتی»، «تحریم‌ها» و «نظام بودجه‌ای غیرمنضبط» از یک سو و از سوی دیگر چالش‌هایی که صنعت کفش در حال حاضر با آن‌ها روبه‌رو است مانند بالابودن قیمت تمام‌شده، طولانی بودن زمان تأمین ارز برای خرید مواد اولیه، مشکلات پیمان‌سازی ارزی و نرخ تسویه ارز برای صادرکنندگان به دلیل نظام ارزی چندنرخ، مستهلک شدن تجهیزات و ماشین‌آلات تولید، نوسانات قیمت مواد اولیه به خصوص مواد قابل عرضه در بورس کالا، کمبود نیروی کار، تغییرات سریع و پیاپی مقررات، مشکلات مربوط به تأمین نقدینگی، مشکلات واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی، معطل شدن کالادرگمرکات، افزایش شدید هزینه حمل‌ونقل، فشارهای مالیاتی، تورم دورقمی



پنجشنبه ۱۰ خردادماه توفیق حضور در آیین رونمایی از نماد و شعار سومین نمایشگاه کفش اصفهان که آی شوز نام گذاری شده را پیدا کردم. خبر کامل این مراسم در اینستای جامعه قابل مشاهده است. در این مراسم که به دعوت اتحادیه صنف کفاشان اصفهان در محل جدید نمایشگاه برگزار شد، فعالان تشکلی و پیشکسوتانی از شهرها و استان های مختلف کشور حضور داشتند. البته توفیق بازدید از کارخانه آقای حسینی در اصفهان را پیدا نکردم که ان شالله در فرصت مناسب انجام وظیفه خواهم کرد. در صحبت های خود اشاره داشتم به اینکه در نمایشگاه امپکس در دوره سوم در سال ۹۳ که همزمان مجوز حضور امپکس در سایت نمایشگاه بین المللی تهران صادر شده بود، خدمت برادر بزرگوارم حاج آقا شجری همراه با سایر اعضای ستاد امپکس عرض کردم آنچه برای زنجیره ارزش چرم و کیف و کفش و صنایع مرتبط اولویت بیشتری دارد، وحدت تشکلی های صنعتی و اتحادیه های صنفی زنجیره ارزش کیف، چرم و کفش و صنایع وابسته سراسر کشور است و نمایشگاه در فاز دوم اولویت های همه ما قرار دارد. ضمن اینکه تداخل سه نمایشگاه مهم در مردادماه مورد تقاضای صنعت نیست و آنها را با چالش هایی روبه رو خواهد شد. جنس سه نمایشگاه اصفهان و تبریز و تهران با هم فرق دارد و هر کدام کارکردهای خودش را دارند. طبیعی است با توجه به توسعه زنجیره ارزش کیف، چرم، کفش و صنایع وابسته در سال های اخیر در کشور، هر کدام، برداشت های خودشان را با توجه به قدمت، موضوعیت، جایگاه ملی و استانی و پیوست رسانه ای و تبلیغی، از برگزاری نمایشگاه ها خواهند داشت. ان شالله

چهارشنبه ۳۰ خرداد ماه در تالار اصفهان و بعد هم در سالن جلسات خلیج فارس نمایشگاه بین المللی تهران، جلسه هم اندیشی و سیاست گذاری یازدهمین نمایشگاه بین المللی کفش، کیف و چرم و صنایع وابسته تشکیل شد. این جلسه

به دعوت آقای بازاری و با حضور دو نفر از مدیران ترویج صادرات سازمان توسعه تجارت، همه اعضای ستاد امپکس، روسای اتحادیه های کفش ماشینی، فروشندگان چرم و لوازم کفش تهران و اسلامشهر، اتحادیه صادرکنندگان کفش تبریز، نماینده انجمن کفش اصفهان و تیم مجری نمایشگاه امپکس تشکیل شد. این جلسه دیر هنگام فرصتی را فراهم آورد تا مدیریت شرکت مجری نمایشگاه امپکس در جریان نظرات و دغدغه های فعالان اتحادیه های صنفی و تشکلی های صنعتی کفش و چرم و سایر اعضای ستاد امپکس قرار گیرد. واقعیت این است که بدون شناخت محدودیت ها و خصوصیات محلی، استانی و ملی هر کدام از نمایشگاه ها، قضاوت کردن درباره شرایط یکسان نمایشگاه های قم، تبریز، اصفهان، تهران و... از نظر اجرایی کار درستی نیست و آنچه بعد از سال ها تجربه می توان درباره آن با قطعیت بیشتری صحبت کرد این است که نمایشگاهی که در خدمت تشکلی های صنعتی و اتحادیه های صنفی زنجیره ارزش باشد، بدنه زنجیره صنعت را خوب بشناسد، موضوع را فقط از منظر سودآوری نگاه نکند، گزارش شفافیت از عملکرد خود به بدنه صنعت ارائه دهد و مشتریان صادراتی را از کشورهای مختلف جذب کند، امکان دریافت نمره قابل قبول از زنجیره ارزش را پیدا خواهد کرد. در مقابل اگر مجری و عوامل اجرایی آن شرکت کنندگان و غرفه داران را فقط با نگاه ابزار پولی و مالی ببینند و شناخت درستی از بدنه صنعت نداشته باشند، در بلندمدت صنعت با پرداخت هزینه های گزاف برای اجاره و غرفه آرای و فرصت های از دست رفته برای فروش کالا، ضرر خواهد کرد و انگیزه لازم برای حضور دوباره در نمایشگاه ها را از دست خواهد داد. فراز پایانی وقایع اتفاقیه این شماره را به شعری از حافظ شیرازی ختم می کنم؛

نه هرکه چهره برافروخت دلبری داند نه هرکه آئینه سازد سکندری داند
نه هرکه مَنرف کُنه کج نهاد و تند نشست کلاه داری و آیین سروری داند
هزار نکته باریک تر زمو اینجاست نه هرکه سر بتراشد قلندری داند
غلام همت آن رند عافیت سوزم که در گدا مفتی کیملگری داند